

کارکردهای قاعده «تعلیق الحکم علی الوصف مشعر بالعلیه» در تفسیر آیه تطهیر*

حسن رضایی هفتادری (نویسنده مسؤول)^۱
مجید زارعی^۲

چکیده:

برابر مدلول ظاهری و ظهور عرفی آیه ۳۳ سوره احزاب (آیه تطهیر)، مفسران مکتب خلافت با نادیده گرفتن سایر قراین و شواهد، در جهت شمول همسران پیامبر ﷺ به عنوان «اهل البیت»، به سیاق آیات ۲۸ تا ۳۴ این سوره استناد کرده‌اند. در مقابل، عالمان امامیه عموماً به عدم اعتبار قاعده سیاق در این آیات حکم نموده، با محدود کردن قلمرو شمول مفهوم اهل البیت، تنها «خمس طیبه» را مصداق آن می‌دانند. پژوهش حاضر پس از نقد و بررسی دیدگاه فریقین در مورد اعتبار یا عدم اعتبار سیاق در آیه محل بحث، راهکار جدیدی را به کمک قاعده اصولی «تعلیق الحکم علی الوصف مشعر بالعلیه»، در قالب رویکرد معیار عرضه نموده است. طبق این نظریه، وصف اصولی «یا نساء النبی» در آیات مربوط به همسران از باب قاعده پیش گفته، فضای نزول این آیات را تبیین نموده که بر محوریت شخصیت حقوقی نبی مکرم اسلام ﷺ استوار است، تا به دنبال آن، ضابطه کلی که خود تعلیل و تأکیدی بر محتوای آیات مربوط به همسران است، در آیه تطهیر جلوه‌گر شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با حفظ مصداق انحصاری آیه در شأن ائمه اطهار علیهم‌السلام، اصالة‌السیاق در این آیات کاملاً توجیه‌پذیر است و محذوری در پی نخواهد داشت. همچنین از دیگر کارکردهای این قاعده در آیه محل بحث آن است که می‌توان شمول مصداق «اهل البیت» را برای دیگر معصومان نیز اثبات نمود.

کلیدواژه‌ها:

آیه تطهیر / سیاق / همسران پیامبر ﷺ / تعلیق الحکم علی الوصف / اهل البیت

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۶، تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۷/۲۶.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2018.47443.1536

Hrezaii@ut.ac.ir

۱- دانشیار دانشگاه تهران

majidzare7@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

موضع قرارگیری فقره پایانی آیه ۳۳ سوره احزاب مشهور به آیه تطهیر، در بین آیات قبل (احزاب/۲۸-۳۳) و بعد از آن (احزاب/۳۴) که در مورد همسران پیامبر خدا ﷺ است، همواره توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه کلام، تاریخ و حدیث را عموماً و محققان حوزه تفسیر را خصوصاً به خود جلب نموده است. راز اهمیت این موضوع در دلالت آن بر مقام عصمت تطهیرشدگان استوار است. به طور کلی دو جریان عمده در این زمینه در میان مفسران وجود دارد.

مفسران اهل سنت با استناد به سیاق، همسران پیامبر خدا را مشمول حکم تطهیر دانسته، عموماً همسران را به مصادیق تبیین شده توسط حضرت رسول ﷺ، یعنی اصحاب کساء ملحق می‌کنند. در مقابل، مفسران امامیه با استناد به دلایلی همچون تفاوت تعبیر، لحن و تغییر ضمایر، به انضمام تعداد کثیری از روایات شأن نزول که حتی مورد پذیرش عالمان اهل سنت نیز هست (آلوسی، ۱۹۵/۱۱؛ حسکانی، ۱۴/۲)، مصداق انحصاری اهل البیت در آیه محل بحث را «خمس طیبه» دانسته، سیاق را معتبر نمی‌دانند.

پیشینه این پژوهش در میراث اسلامی، به طور عمده در سه بخش قابل ردیابی است:

الف) کتب و مقالات تفسیری، کلامی، حدیثی و تاریخی با محوریت آیه تطهیر (بابایی، پرسمان عصمت، ۱-۱۳۱؛ نجارزادگان، ۴۱-۷۱؛ مرتضوی، ۲۱/۴-۲۶۶؛ اشراقی، ۴۴-۲۲۵؛ جوادی آملی، ادب فنای مهربان، ۱۳-۳۱۴؛ عاملی، ۱۳-۶۹؛ رضوانی، ۳۶۴-۳۹۴؛ حسینی میلانی، ۸-۵۴؛ اسماعیل زاده، ۸-۹ و ۱۱۱-۱۷۸).

ب) مطالعات حوزه سیاق از دیگر سو (رضایی کرمانی، ۱۹۴-۲۰۵؛ ربانی، ۳۲۲-۳۴۱؛ ستوده‌نیا، ۶۱-۷۸).

ج) بررسی سیاق و تناسب در آیه تطهیر به طور ویژه (باقرزاده، «اثبات استقلال آیه تطهیر در قرآن کریم»، ۲۷-۵۶؛ بابایی، «استقلال نزول آیه تطهیر و تأثیر آن در ظهور و فهم معنایی آیه»، ۲۵-۴۴؛ رهگشای، ۲۷-۳۴).



حال پرسش‌های اساسی این است که اگر مفهوم «اهل‌البیت» توصیفی است که تنها بر اصحاب کساء انطباق دارد، چرا این آیه در بین آیات مربوط به همسران پیامبر ﷺ واقع شده است؟ آیا این چنینش خاص موقوف به دستور الهی است یا اینکه اجتهاد صحابه سبب تغییر موضع آن شده است؟ آیا شروط تحقق سیاق در این آیه موجود است؟ آیا پذیرش نزول اختصاصی این فقره از آیه در شأن اصحاب کساء، لزوماً به معنای عدم اعتبار سیاق است؟ با فرض اعتبار سیاق، چگونه می‌توان راهکار جدیدی پیشنهاد نمود تا ضمن ارجاع مصداق انحصاری اهل‌البیت به اصحاب کساء، جایگاه و نقش زنان پیامبر ﷺ نیز در این آیات مشخص شود؟ نقش قاعده «تعليق الحكم على الوصف مشعر بالعليه» در تبیین دلالت سیاقی در این بخش از آیات چیست؟ کارکرد این قاعده در اثبات شمول برای دیگر معصومان تحت مصادیق اهل‌البیت عليهم السلام چه خواهد بود؟

نکته قابل توجه این است که هدف عمده پژوهش‌های شیعی، اثبات استقلال نزول آیه تطهیر است تا از این طریق، اصحاب کساء مصداق اختصاصی نزول این آیه قرار گیرند و پیوند این آیه با آیات مربوط به همسران پیامبر قطع شود. اما پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی - انتقادی، این نظر را نپذیرفته و به کمک یک قاعده در علم اصول فقه با عنوان «تعليق الحكم على الوصف مشعر بالعليه»، سعی کرده راهکاری جدید برای حل چالش موضع قرارگیری این آیه در بین آیات مربوط به همسران پیامبر عرضه نماید. شایان ذکر است که تاکنون مقاله یا کتابی نگاشته نشده که از این زاویه به مسأله نگرسته و آن را با استفاده از این شیوه حل نموده باشد.

آرای مفسران فریقین در ارزیابی اعتبار سیاق در آیه تطهیر

مفسران فریقین در مورد اعتبار سیاق در این آیه هم‌داستان نیستند. مفسران اهل سنت به‌طور کلی، سیاق در این آیه را پذیرفته و در مقابل، مفسران امامیه آن را انکار کرده و شأن استقلالی برای فقره پایانی آیه ۳۳ سوره احزاب قائل‌اند. بنابراین ابتدا این نظرها نقل و سپس نقد خواهد شد تا در ادامه، رویکرد معیار عرضه شود.

۱. مفسران اهل سنت

مفسران عامه به‌رغم نقل پاره‌ای از روایات در شامل شدن آیه پیش‌گفته بر اصحاب کساء (ابن‌کثیر، ۳۶۵/۶؛ فخر رازی، ۲۴۷/۸؛ سیوطی، ۱۹۸/۵؛ طبری، ۵/۲۲)، با استناد به سیاق آیات که همسران پیامبر را مخاطب می‌سازد (احزاب/۲۸-۳۴)، سعی داشته‌اند تا زنان آن حضرت را نیز مشمول حکم تطهیر قرار دهند. نویسندگان تفسیر القرآن العظیم می‌گویند:

«سیاق کلام با آنان (همسران رسول خدا ﷺ) است و به همین دلیل خدای متعال به دنبال این آیه می‌فرماید: ﴿وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللّٰهِ وَ الْحِكْمَةِ...﴾» (ابن‌کثیر، ۳۷۰/۶)

حتی وی به حدی در این امر مبالغه نموده که آن را در حکم نصّ و سبب نزول آیه تطهیر را زنان پیامبر می‌داند (همان، ۳۶۴). همچنین او نیز بنا بر نقل تفسیر محاسن التأویل از تفسیر ابی‌السعود، دخول همسران پیامبر در زمره اهل‌البیت را «آیه بیّنه» و «حجت نیره» می‌داند (قاسمی، ۶۹/۸).

نویسندگان تفسیر التحریر و التنویر نیز با استدلال به اینکه در صورت عدم شمول همسران پیامبر در حکم آیه تطهیر، قرارگیری این آیه در میان آیات مربوط به آنها حشو است و از آیات قبل و بعد مقطوع خواهد شد، شیعه را به غضب وصف اهل‌البیت در شأن پنج تن آل‌عبا متهم ساخته، آنان را محارب قرآن معرفی می‌کند (ابن‌عاشور، ۲۴۷/۲۱). بنابراین وی ضمن قبول احادیث شأن نزول این آیه، همسران پیامبر را مصداق تنزیلی آیه تطهیر و در مقابل، اصحاب کساء را مصداق الحاقی آیه می‌داند که همانند سلمان فارسی با جعل نبوی، در زمره اهل‌البیت قرار گرفته‌اند (همان).

نویسندگان کتاب الجامع لاحکام القرآن نیز در بیانی مشابه، شمول آیه بر حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام و همسر و فرزندان را خارج از مقام تنزیل آیه دانسته، دلیل آن را حبّ شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت به دخول آنان تحت این عنوان می‌داند (قرطبی، ۱۸۴/۱۴). بنابراین قرطبی تصریح می‌کند که مخاطب این آیه، زنان نبی اکرم هستند و حکم سیاق مؤید این مطلب است (همان، ۱۸۳).



آلوسی از دیگر مفسران اهل سنت ضمن قبول سیاق، به دلیل اشکالی که در تغییر ضمایر از جمع مؤنث به جمع مذکر متوجه نظریه وحدت سیاق است، در صدد توجیه آن برآمده است. وی با استشهاد به آیات ۷۳ هود و ۱۰ طه، خواسته بحث اختلاف ضمایر را به مراعات لفظ «اهل» در «اهل‌البیت» پیوند دهد که به‌زعم او فقط با مذکر به‌کار می‌رود (آلوسی، ۱۹۴/۱۱).

در میان متکلمان اهل سنت نیز استشهاد به سیاق در جهت الحاق همسران پیامبر به خمسه طیبه مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه ابن تیمیه، اراده الهی در آیه ۳۳ احزاب را نظیر اراده الهی در آیه ۶ مائده یا آیات ۲۸-۲۶ نساء می‌داند که از نوع امر و نهی و دستور مورد پسند و رضای الهی است. افزون بر این، او در جهت اثبات این مدعای خود، به سیاق آیات قبل و بعد از آیه تطهیر که متضمن اوامر و نواهی به زنان پیامبر است، متمسک شده و از اینجا اشتراک زنان پیامبر با اصحاب کساء در این اراده را نتیجه می‌گیرد (ابن تیمیه، ۲۱/۴).

نقد و بررسی

در نقد این رویکرد می‌توان گفت که اولاً سیاق به‌عنوان یکی از قراین درون متن باید در کنار سایر شواهد و قراین برون متن، نظیر شواهد تاریخی و روایی در نظر گرفته شود. ثانیاً در خود متن، قراینی نظیر تغییر ضمایر از جمع مؤنث به جمع مذکر، تغییر تعبیر از «بیوت» به «البیت» و تغییر لحن از تهدید و هشدار به تکریم و تشریف، دست‌کم دالّ بر نادرستی گفتار کسانی چون ابن‌کثیر و نویسنده تفسیر *ابی‌السعود* است که سیاق آیات در شأن همسران پیامبر را نص و حجت نیره می‌دانند.

در نقد سخنان ابن‌عاشور نیز به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- حشو و زاید نبودن این فقره از آیه ۳۳ سوره احزاب مستلزم قبول وحدت سیاق نیست؛ زیرا بنا بر نظر بعضی از عالمان امامیه، این قسمت از آیه به‌منزله جمله معترضه است که خود این مفسر اهل سنت نیز آن را در مواضع دیگری از قرآن کریم پذیرفته و به‌کار برده است (ابن‌عاشور، ۵۲/۱۲، ۶۲/۱۶).

۲- اگر بتوان توجیهی معقول و منطقی مبتنی بر سیاق و سایر روایات نبوی در وصف خمسه طیه عرضه نمود، دیگر مجبور به پذیرش حکم سیاق در شأن زنان پیامبر نبوده و ارتباط این فقره از آیه با آیات قبل و بعد مقطوع نخواهد بود.

۳- شیعه هیچ‌گاه وصف «اهل‌البیت» را غضب نکرده، اما در نقطه مقابل، مفسرانی از اهل سنت نظیر نویسنده *التفسیر المنیر*، علاوه بر پذیرش حکم سیاق در وصف زنان پیامبر، در یک موضع‌گیری عجیب، آل‌عباس و خلفای ستمگر آنان را نیز بدون هیچ رابط سیاقی، مصداق «اهل‌البیت» معرفی می‌کنند (زحیلی، ۱۴/۲۲).

۴- در رد ادعای ابن عاشور مبنی بر مصداق الحاقی بودن خمسه طیه به‌عنوان «اهل‌البیت» همانند آنچه درباره سلمان فارسی آمده، باید گفت که بسیار فرق است بین عنوان «سلمان منّا اهل‌البیت» و تعبیر «اللهم هؤلاء اهل بیتی» که اگر نگوییم در علوم بلاغی این تعبیر بر حصر دلالت می‌کند، دست‌کم بوی حصر می‌دهد (جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ۹۱/۵).

همچنین در نقد سخنان قرطبی می‌توان گفت که نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به‌عنوان معلم و مبین وحی، هرگز آیات قرآن را تحت تأثیر هواهای نفسانی و حب و بغض شخصی تفسیر نمی‌کرد.

در پاسخ به اشکالات آلوسی موارد زیر قابل طرح است:

۱- استشهاد وی به آیات ۷۳ هود و ۱۰ طه ناتمام است؛ زیرا در آیه ۷۳ هود پس از ذکر نام سه تن از کسانی که شأن نبوت داشته یا در آینده خواهند داشت (حضرت ابراهیم، اسحاق و یعقوب عَلَيْهِمُ السَّلَام)، وصف «اهل‌البیت» آمده است که نشان می‌دهد فقط ناظر بر ساره نخواهد بود. همچنین در آیه ۱۰ سوره طه، در جریان مسافرت شبانه حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام از مدین به مصر نیز احتمال وجود فرزند و خادم و ... برای آن حضرت متصور است؛ همان‌گونه که خود آلوسی آن را محتمل می‌داند (آلوسی، ۴۸۰/۸).

۲- واژه «اهل» از کلماتی است که اولاً با حالت مذکر و مؤنث هر دو کاربرد دارد که زمخشری ذیل آیه *﴿يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا﴾* (نساء/۷۵) آن را یادآور شده است (زمخشری، ۵۳۵/۱). ثانیاً لغویان واژه‌های «اهلون» یا



«اهلین» و «اهلات» را جمع «اهل» دانسته‌اند (فراهیدی، ۸۹/۴؛ ازهری، ۲۲۰/۶) که البته در آیه ﴿سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا﴾ (فتح/۱۱) با فعل مؤنث «شغلتنا» به کار رفته است (جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ۱۳۷/۵)، از این رو باید راز به کارگیری ضمائر جمع مذکر به جای مؤنث در دو واژه «عنکم» و «یطهرکم» را در جای دیگر جست‌وجو نمود.

۳- در مورد ارجاع ضمائر به کلمه «اهل» دو نقد دیگر وارد است: اول آنکه چرا در مورد سایر ضمائر جمع مؤنث در آیات قبل و از جمله در خود همین آیه محل بحث که شش ضمیر جمع مؤنث را شامل می‌شود، این بازگشت صادق نیست؟! (همان، ۱۳۶). دوم اینکه در اینجا کلمه «اهل» تابع لفظ «عنکم» است، نه بالعکس، و تابع نمی‌تواند از حیث تذکیر و تأنیث در متبوع اثر کند (باقرزاده، اثبات استقلال آیه تطهیر در قرآن کریم، ۴۳).

همچنین در این مجال می‌توان به‌طور مختصر نقدی بر دیدگاه ابن تیمیه در این باره وارد ساخت. دیدگاه ابن تیمیه مبنی بر ارزیابی مشابه اراده الهی در آیات سوره مائده و نساء با آیه محل بحث، دیدگاهی نادرست است و از خلط بین اراده تکوینی و تشریحی ناشی می‌شود. در آیه ۶ سوره مائده که مربوط به جریان وضو و تیمم است، صحبت بر سر دستور و امری تشریحی است که جنبه عمومی نسبت به تمامی مسلمانان دارد، اما خداوند در آیه تطهیر بنا بر قراین درون متن و برون متن، امری اختصاصی و انحصاری را اراده کرده که حتی با فرض پذیرش نظر ابن تیمیه مبنی بر شمول زنان پیامبر نیز نمی‌توان به آن جنبه عمومی بخشید. با بطلان دیدگاه ابن تیمیه درباره تشریحی دانستن اراده الهی در آیه تطهیر، به‌طور طبیعی استشهاد او به سیاق نیز ناتمام و فاقد معنا خواهد بود. در واقع روش استدلال وی بدین گونه بوده که با مفروض دانستن اعتبار سیاق، خواسته تا بین اوامر و نواهی مربوط به زنان پیامبر با اراده الهی در آیه تطهیر پیوندی یکسان برقرار کرده و از این طریق، در فضیلت بودن این آیه در شأن اصحاب کساء خدشه وارد سازد؛ غافل از اینکه در این آیه که دارای چالش سیاق است، سیر منطقی بحث اقتضای آن را دارد تا به کمک قراین درون متن و برون متن، ابتدا اراده الهی را تحلیل کرده، سپس بر سر اعتبار یا عدم اعتبار سیاق

وارد گفت‌وگو شد. آنچه مسلم است، این خواهد بود که در این آیات، سیاق در آن معنایی که مد نظر ابن تیمیه است، به هیچ عنوان ساری و جاری نیست.

۲. مفسران شیعه

طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان در پاسخ به این پرسش که چرا این فقره مربوط به خمسه طیبه در میان آیات مربوط به همسران قرار گرفته، بدین گونه جواب می‌دهد که عادت فصیحان عرب بر این است که مقام خطاب را از شخصی به شخص دیگر تغییر داده، مجدداً به شخص اول بازمی‌گردند که در کلام و شعر عرب و از جمله در مواضع متعدد دیگری از قرآن دیده می‌شود (طبرسی، ۵۶۰/۸). نویسنده الفرقان فی تفسیر القرآن با صراحت بیشتری اعلام می‌کند که این آیه مستقل نازل شده است؛

«دلالت لفظی و معنوی آیه نشان‌دهنده استقلال نزول آن در زمانی دیگر است و

روایات متواتر فریقین از نبی اکرم ﷺ گواه بر این مدعا خواهد بود.» (صادقی

تهرانی، ۱۱۲/۲۴)

همچنین نویسنده تفسیر من وحی القرآن، جاری بودن سیاق در این آیه را نمی‌پذیرد؛ زیرا معتقد است در هیچ کدام از روایات شأن نزول آیه تطهیر، ذکری از سایر آیات مربوط به ازواج نبی نیامده، لذا در یک جمع‌بندی می‌گوید:

«وجود احادیث نشان می‌دهد که آیه، مستقل از قبل و بعد خود نازل شده و از

سیاق آنها جدا گردیده که البته به دلیل وجود مناسبتی، در ضمن این آیات قرار

داده شده است.» (فضل‌الله، ۳۰۹/۱۸)

نگارنده کتاب اطیب البیان فی تفسیر القرآن نیز پس از ذکر این اشکال در مورد وجه مناسبت این فقره از آیه در بین سایر آیات قبل و بعد، در مقام پاسخ برآمده، معتقد است که قرآن کریم در زمان رسول خدا ﷺ به صورت مجموع «مابین الدفتین» گردآوری نشد و چه بسا آیات مکی در سور مدنی و آیات مدنی در سور مکی قرار داده شده و در این مورد نوعی تعمد در کار بوده است (طیب، ۵۰۱/۱۰).

نویسنده تفسیر گرانقدر المیزان نیز بر این باور است که این آیه نزول مستقل داشته که روایات نیز مؤید آن است و قرارگیری این آیه در بین آیات مربوط به همسران نبی یا به دستور رسول خدا ﷺ بوده، یا با تألیف صحابه پس از وفات



آن حضرت در این موضع قرار داده شده است (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۵۶؛ همو، المیزان، ۱۶۷/۵). وی در مقام تأیید به این نکته نیز اشاره می‌کند که اگر این فقره از سایر آیات حذف شود، به اتصال و انسجام آیات ضربه‌ای وارد نخواهد شد (همو، المیزان، ۴۶۶/۱۶).

در میان عالمان شیعی، متکلمان کمتر به بحث سیاق توجه نشان داده‌اند. برای نمونه علامه حلی در کتاب *منهاج الکرامه* بدون متعرض شدن به مسأله سیاق و تنها با ذکر یکی دو روایت، عصمت اصحاب کساء و امامت علی علیه السلام را نتیجه می‌گیرد (حلی، ۱۲۱). سید مرتضی و شیخ طوسی با توجه به قراین درون متن (تغییر ضمائر) و برون متن (کثرت روایات سبب نزول) و این نکته که هیچ کس برای زنان پیامبر ادعای عصمت نکرده و این امر، مطابق با احوال آنان نیست، آنان را از شمول مصادیق آیه خارج می‌نمایند (شریف مرتضی، ۱۳۶/۳؛ طوسی، تلخیص الشافی، ۲۵۳/۲).

در پایان، گفتنی است محدثانی از شیعه همچون علامه مجلسی نیز حکم سیاق در این آیه را نپذیرفته‌اند (مجلسی، ۲۳۴/۳۵). بنابراین به نظر می‌رسد عالمان امامیه در عدم اعتبار سیاق در آیه محل بحث هم‌کلام‌اند.

نقد و بررسی

پیش از هر چیز، این نکته لازم به ذکر است که گرچه ادعای تغییر سیاق از سوی مفسران شیعی در جهت اثبات عدم اشتراک زنان پیامبر در سبب نزول آیه تطهیر بوده است، اما در نهایت، مخاطب از این بحث آنان، نوعی جدایی و عدم وجود یک پیوستگی معنایی منطقی بین این دسته از آیات استنباط می‌کند. در واقع تمام توجه مفسران امامیه بر روی ارائه یک سبب نزول اختصاص یافته به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و برگرفته از روایات فریقین متمرکز شده و در این میان، شمول حکمی زنان پیامبر در این دسته از آیات نادیده گرفته شده است. چه بسا اگر این جنبه اخیر مورد تحقیق و تدقیق بیشتر واقع شده بود، راهی از آن به سوی اعتبار سیاق با حفظ سبب نزول در شأن خمسه طیبه علیهم السلام گشوده می‌شد.

حال همان گونه که به بررسی دیدگاه اهل سنت در زمینه اعتبار سیاق در آیه تطهیر پرداختیم، در اینجا نیز نظر مفسران شیعی را در بونه سنجش می‌نهم. نقدهای زیر در این زمینه قابل طرح است:

۱- گرچه ما نیز با وجود جمله معترضه در قرآن کریم که توجیه‌گر تغییر خطاب باشد، مخالف نیستیم، اما اثبات این امر به سادگی میسر نیست؛ هرچند ثبوتاً ممکن است. در مقابل، به نظر می‌رسد محور اصلی بحث در این آیات، شخص نبی مکرم اسلام است که از آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ...﴾ (احزاب/۲۸)، مخاطب واقع می‌شود و در ادامه، مأموریت می‌یابد تا مجموعه‌ای از اوامر و نواهی الهی را به زنان خود ابلاغ کند. بنابراین از آیه ۳۰ به بعد نیز مخاطب اصلی همچنان پیامبر ﷺ است و هیچ تغییر خطابی رخ نمی‌دهد. پس در فقره پایانی آیه ۳۳، فقط یک توسعه خطاب (و نه تغییر خطاب) از شخص آن حضرت به پنج تن آل عبا صورت گرفته که بازگشت آن نیز به وحدت شخصیت حقوقی معصوم خواهد بود.

۲- در مورد اینکه چرا در هیچ یک از روایات منقول در شأن نزول این آیه اثری از سایر آیات نیست، می‌توان این گونه گفت که اولاً بسیاری از این روایات ناظر بر شأن نزول آیه یادشده نبوده، بلکه نبی اکرم ﷺ صرفاً به همین فقره پایانی که موضوعیت داشته، در مواضع گوناگون استشهاد کرده است. برای مثال، این امر در قضیه مباهله (فخر رازی، ۲۴۷/۸) یا دعوت اهل‌البیت برای اقامه نماز (باقرزاده، پژوهشی جدید درباره آیه تطهیر، ۴۰۷-۴۱۷) مشهود است. ثانیاً سبب نزول برای تمام آیات قرآنی ذکر نشده و چه بسا گرچه جملگی این آیات یک‌باره نازل شده باشند، به دلیل اهمیت فوق‌العاده آیه تطهیر، تنها به این قسمت در روایات تأکید شده باشد. ثالثاً طبق دیدگاه معیار که در ادامه بررسی خواهد شد، اگرچه ذکری از همسران به میان نیامده، این روایات، ناظر به تبیین غایت و هدف اصلی نزول آیات مربوط به همسران پیامبر است.

۳- همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، مفسران شیعی سیاق را در این دسته از آیات به دلیل تأکید بر انحصار سبب نزول به اصحاب کساء و خروج زنان پیامبر از آن نپذیرفته‌اند. در این میان ما نیز بر روی اصل اختصاص فقره مشهور به آیه تطهیر



در آیه ۳۳ احزاب به پنج تن آل عبا علیهم السلام مناقشه‌ای نداشته و با آنان هم‌داستانیم، اما به‌نظر می‌رسد هر دو شرط اساسی برای تحقق سیاق، یعنی ارتباط صدوری یا پیوستگی در نزول و ارتباط موضوعی، در این آیات ملحوظ است (بابایی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ۱۲۸). ارتباط موضوعی را ذیل دیدگاه معیار به تفصیل بررسی خواهیم کرد، اما در مورد ارتباط صدوری، باید اذعان نمود که اولاً هیچ‌گونه دلیل نقلی معتبر مبنی بر تغییر جایگاه آیه تطهیر از موضعی دیگر به جایگاه کنونی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده، موجود نیست (طیب‌حسینی، ۲۰۱/۲)، ثانیاً بر فرض مشکوک بودن ارتباط صدوری، در این مواقع اصالةالسیاق حکم‌فرما خواهد بود که دلالت التزامی کلام معصوم مبنی بر تشویق به رجوع به قرآن کنونی مؤید آن خواهد بود (معرفت، ۲۸۰/۱؛ ستوده‌نیا، ۷۱). بنابراین می‌توان گفت که سیاق فی‌الجمله معتبر است و در صورت وجود توجیهی سازگار و همسو با روایات، اعتبار سیاق بر عدم اعتبار آن ترجیح دارد.

۴- در نقد دیدگاه علامه طباطبایی نیز می‌گوییم:

الف) به‌رغم اینکه وی قهرمان استفاده از سیاق در تفسیر قرآن بوده، به‌گونه‌ای که در خود سوره احزاب در بیست مورد دلالت سیاقی را پذیرفته (رضایی کرمانی، ۱۹۷)، جای این سؤال باقی است که چگونه او در اینجا به‌راحتی حکم سیاق را منکر می‌شود. در صورت پذیرش این نظر، استفاده و استشهاد وی به این قاعده در دیگر آیات قرآنی نیز از سوی مخالفان مورد اشکال واقع خواهد شد؛ زیرا ممکن است طبق مبنای او، علاوه بر این آیه یا آیه اکمال، سایر آیات نیز بنا بر اجتهاد صحابه، از جایگاه اصلی خود تغییر داده شده باشند.

ب) بسیاری از دانشوران علوم قرآنی معتقدند قرآن کنونی به همان صورتی است که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جمع‌آوری شده و بنابراین چینش و ترتیب فعلی آیات در سوره‌ها توقیفی است؛^۱ هرچند جمع‌آوری قرآن در زمان خلفای اول و دوم، حادثه‌ای تاریخی است که تحصیل حاصل بوده و در آن اغراض سیاسی خاصی دنبال می‌شده است؛ بدین‌گونه که ابوبکر و عمر در پی دست‌وپا کردن

مصحفی شخصی برای استحکام بخشی به پایه‌های قدرت خود در مقام خلیفه رسول خدا، این کار را به انجام رسانده‌اند (کورانی، ۱۳۲).

ج) اگر جایگاه اصلی فقره پایانی آیه ۳۳ سوره احزاب در مکان فعلی نباشد، مستلزم یکی از دو محذور است:

اول آنکه آیه ۳۳ با جمله «وَ اطِغْنِ اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهُ» پایان پذیرد که این مخالف فواصل آیات و نظم آهنگین کلام است.

دوم آنکه ممکن است گفته شود صدر آیه ۳۴ در پایان آیه ۳۳ قرار داشته و در واقع چنین بوده است: «واطعن الله و رسوله واذکرن مايتلى فى بيوتكن ...». در پاسخ به این فرض نیز می‌گوییم که در این صورت، نه تنها آیه‌ای از موضع اصلی خود جابه‌جا گردیده، بلکه آیه‌ای دیگر نیز به دو بخش منقسم شده که بطلان آن به جهت اهتمام مسلمانان به حفظ و حراست قرآن روشن است (ر.ک: سیوطی، ۲۶۹/۳؛ جوادی آملی، نزهت قرآن از تحریف، ۱۲۰-۱۲۵).

د) آنچه در مورد موضع قرارگیری آیات به توقیف نبی اکرم صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ گزارش شده، اولاً به دستور وحی بوده، و ثانیاً در مورد یک آیه کامل صادق است و نه در مورد بخشی از یک آیه که هیچ کس مدعی آن نشده است (عاملی، ۳۷).

در انتهای این بخش، به خاطر سپردن این نکته سودمند خواهد بود که نقد دیدگاه شیعه به معنای نفی باور حقه آنان در انحصار طهارت ویژه اصحاب کساء نخواهد بود، بلکه ما در این پژوهش، ضمن قبول این دیدگاه، بر این باوریم که با تغییر زاویه دید می‌توان اولاً شمول حکمی (ارتباط موضوعی) این آیات را در شأن همسران پیامبر به اثبات رساند، ثانیاً از این رهگذر و با توجه به اصالة‌السیاق، تبیینی متناسب از این آیات ارائه نمود. همچنین شرط ارتباط صدوری و پیوستگی در نزول (احزاب/۳۴-۲۸)، در عین اختصاص سبب نزول (فقره پایانی آیه ۳۳ سوره احزاب) به پنج تن آل‌عبا عَلَيْهِمُ السَّلَام ملحوظ بوده و بین این دو مغایرتی نیست. برای توضیح بیشتر در این زمینه به ارائه رویکرد معیار خواهیم پرداخت.



۳. رویکرد معیار

دیدگاه معیار بر آن است تا با به‌کارگیری دو مؤلفه «بررسی فضای معنایی آیات مربوط به همسران پیامبر» و قاعده «تعلیق الحکم علی الوصف مشعر بالعلیه» که در علم اصول فقه مطرح است، آیه تطهیر را به آیات مربوط به همسران پیامبر پیوند داده، تحقق سیاق در این آیات را با حفظ مصداق انحصاری اهل بیت در شأن اصحاب کساء اثبات نماید. در ادامه، ابتدا قاعده پیش‌گفته را مفهوم‌شناسی کرده، سپس در جهت تبیین مراد خود از آن استفاده خواهیم نمود.

الف) مفهوم‌شناسی قاعده «تعلیق الحکم علی الوصف مشعر بالعلیه»

قاعده «تعلیق الحکم علی الوصف مشعر بالعلیه» یکی از قواعدی است که در علم اصول فقه، در ذیل مبحث مفاهیم و به‌طور مشخص مفهوم وصف مطرح می‌شود، که از این پس به جهت اختصار به آن «قاعده» می‌گوییم. طبق این قاعده، وصف اصولی که به‌جای اسم ظاهر می‌آید، می‌فهماند که صفت، علت حکم است. برای مثال، زمانی که گفته می‌شود: «اَکْرَمَ زَیْداً الْعَالَمِ»، این جمله مُشعر (اشاره‌کننده، خبردهنده) به این است که اکرام زید به دلیل عالم بودن اوست؛ گویا گفته باشد: «اَکْرَمَ زَیْداً لِأَجْلِ عِلْمِهِ» (محمدی، ۱۶۶). بنابراین وصف «العالم» در علت حکم «اکرم زیداً»، شأنیت و مدخلیت ایجاد می‌کند. البته ذکر این نکته ضروری است که اشعار به‌معنای دلالت التزامی غیربین است و بین دو جمله «اکرم زیداً العالم» و «اکرم زیداً لاجل علمه»، اختلاف در صراحت علت حکم موجود است؛ اما اگر بتوانیم شواهد و قراینی بر مدعای خود بیاوریم، این اشعار به حد ظهور خواهد رسید و وصف، مفهوم پیدا خواهد کرد (انصاری‌تبار، ۱/۱۲۴).

توضیح این نکته لازم است که منظور از وصف اصولی، هر چیزی است که بتواند به‌عنوان قید برای موضوع حکم قرار گیرد. به عبارت دیگر، وصف اصولی اعم از وصف نحوی است؛ زیرا وصف نحوی شامل حال و تمییز نمی‌گردد، ولی وصف اصولی، حال، تمییز، ظرف و جار و مجرور را نیز دربر می‌گیرد (انصاری‌تبار، ۱/۱۲۰؛ قلی‌زاده، ۲۰۸).

این قاعده جزء یکی از دلایلی قرار گرفته است که قائلان به مفهوم داشتن وصف به آن استدلال می‌کنند (مظفر، ۱۷۳/۱؛ بروجردی طباطبایی، ۵۳۲). اصولیانی که در طرف مقابل با مفهوم داشتن وصف مخالف‌اند، معتقدند که از این قاعده نمی‌توان در جهت مفهوم داشتن وصف بهره جست، اما آنها نیز اصل این قاعده و دلالت اشعاری آن را پذیرفته و خدشه‌ای در آن وارد نکرده‌اند (فاضل مقداد، ۱۵۹/۱). شیخ انصاری در کتاب *المکاسب* (۱۹۱) و *فرائد الاصول* (۵۴۱/۲)، آیت‌الله وحید بهبهانی در *الفوائد الحائریه* (۳۴۳) و شهید صدر در *الاجتهاد و التقليد* (۳۰۹)، از جمله اصولیانی هستند که به این قاعده استناد جسته، دلالت آن را بین می‌دانند.

نکته دیگر آنکه راهیابی این قاعده به تفسیر قرآن، خود بستری برای معرفی یکی دیگر از وجوه اعجاز قرآن خواهد شد. توضیح آنکه متکلم این کلام با متکلمان دیگر فرق جوهری دارد. در تفسیر قرآن، با کلام الهی سروکار داریم که خداوند متعال در زمانی که در مقام بیان حکمی از احکام و معارف بوده، توانسته است در کمال ایجاز و اعجاز، به بیان فلسفه حکم نیز بپردازد تا غواصان علوم الهی، از تک‌تک اشارات و لطایف آن، حظی وافر نصیب خویش سازند و پیش از پرسش از چرایی حکم، پاسخ مناسب را دریابند. بنابراین انسانی را که اسیر کلام خویش است، نمی‌توان با متکلمی مقایسه نمود که به تمامی جوانب کلام خود آگاهی دارد و بلکه همان کلام او، معجزه رسول خاتم اوست. از این‌رو استفاده از این قاعده در تفسیر قرآن نه تنها بی‌اشکال بوده، بلکه به مفسر کمک خواهد نمود تا زوایای پنهانی از کلام‌الله را کشف کند تا به کمک آن، با چالش‌های تفسیری مقابله و در نتیجه، تفسیر گویاتری از کلام الهی عرضه نماید.

ب) بررسی فضای معنایی آیات مربوط به همسران پیامبر ﷺ

در آیه ۳۰ سوره احزاب آمده: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَاْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ...﴾ همچنین در صدر آیه ۳۲ نیز مشابه همین حکم با همان تعبیر تکرار می‌شود: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ...﴾ (احزاب/۳۲). این جملات بیانگر تفاوت مراتب احکام و دستورهای مربوط به همسران پیامبر با دیگر زنان امت اسلام است. علت این حکم از باب قاعده «تعلیق الحکم علی الوصف مشعر بالعلیه»



که زنان پیامبر را با وصف «یا نساء النبی» خطاب می‌کند، قابل تبیین است. توضیح آنکه زنان رسول خدا از دو شأن و دو حیثیت فردی و اجتماعی برخوردارند و در این آیات (۳۰-۳۳ احزاب)، آنها را از آن جهت خطاب می‌کند که به شخصیت حقوقی نبی مکرم اسلام منتسب هستند. به دیگر سخن، علت مضاعف بودن عذاب در اعمال همسران پیامبر آن است که آنان به سبب انتسابشان از طریق پیوند سببیت به شخصیت حقوقی و نه حقیقی آن حضرت، علاوه بر کیفر گناهان شخصی و فردی، باید متحمل کیفر سیئات اجتماعی خویش نیز باشند که در منظر و مشهد امت اسلامی است. بنابراین تعبیر «بفاحشه» را با «میینه» (آشکارا انجام دادن سیئه) تقیید نمود تا نشان دهد آنچه در اینجا موضوعیت دارد، همان گناهان در صحنه اجتماع اسلامی است و کیفر گناهان شخصی مفروغ عنه است. بنابراین بین این آیه با آیاتی نظیر ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا﴾ (شوری/۴۰)، هیچ‌گونه تضاد و تهافتی نخواهد بود؛ همان‌گونه که بین آیه ﴿وَمَنْ يَفْتَنْ مِنْكُمْ لَللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ﴾ (احزاب/۳۱) با آیه ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾ (انعام/۱۶۰)، هیچ‌گونه تناقض و اختلافی وجود ندارد؛ زیرا آیه سوره انعام، حکمی کلی است که در مورد هر شأن از شؤون اعمال صالح همسران پیامبر ساری و جاری است، بنابراین آنان در برابر اعمال صالح اجتماعی خود بیست برابر پاداش خواهند گرفت.

از دیگر موارد کاربرد این قاعده که برای شفافیت هرچه بیشتر فضای صدور فقره پایانی آیه ۳۳ سوره احزاب (آیه تطهیر) قابل به‌کارگیری است، می‌توان به دستور خانه‌نشینی و پرهیز از خودنمایی و ابراز زینت زنان در صدر همین آیه اشاره نمود که در بیانی رسا می‌فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾. در اینجا حکم عدم تبرج زنان به وصف «تبرج الجاهلیة الاولى» تعلیق می‌شود تا به علت حکم اشعار کند که زیننده و شایسته زنان منتسب به نبی مکرم اسلام نخواهد بود که این‌گونه خود را در منظر امت اسلامی ظاهر کنند تا از شخصیت حقوقی آنان سوء استفاده شود. این کار، عملی است از روی نادانی که واجب است از ساحت نبی اکرم ﷺ که خود منادی آزادسازی بشر از زنجیر اسارت جهل علمی و گمراهی عملی است، به دور باشد.

حال که فضای تقریبی آیات قبل مشخص شد، ممکن است این سؤال در ذهن کسی خطور کند که این همه تأکید، تهدید و تشویق ناظر بر همسران منتسب به شخصیت حقوقی رسول خدا برای چیست؟ مگر پیامبر واجد چه ویژگی منحصر به فردی بود که منتسبان به آن حضرت نیز باید حرمت حریم نبوی را حفظ کنند؟ پیش از پاسخ به این پرسش مهم، باید یادآور شد که به شهادت خود قرآن، مسأله از این نیز بسی جدی‌تر است و حتی اگر شخصیت حقیقی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز در مقام مراقبت تام از شخصیت حقوقی خود نباشد، مشمول سخت‌ترین جرایم الهی قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که هیچ‌کس توان تحمل یا دفع آن را نخواهد داشت (حاقه/۴۴-۴۷).

اکنون می‌توانیم سرّ قرارگیری آیه تطهیر در بین آیات مربوط به همسران پیامبر را به خوبی درک کنیم. توضیح اجمالی آنکه خدای سبحان آن سؤال مقدر را در قالب یک ضابطه و قاعده کلی این‌گونه پاسخ می‌دهد که علت، هدف و بازگشت حکمت این امور، تعلق اراده تکوینی الهی نسبت به از بین بردن آلودگی و پلیدی از بیت نبوت و مقام تطهیر ویژه آنان است. بنابراین سیاق در این آیات کاملاً معتبر بوده و مطالب به‌صورت سلسله‌وار انشا شده است.

ج) نکات مستفاد از رویکرد معیار

نکات چندی از رویکرد معیار به‌دست می‌آید که عبارت‌اند از:

۱- آیه تطهیر در ادامه و به دنبال آیات قبل بوده که این آیات، در حکم مقدمه و آیه تطهیر، به‌مثابه ذی‌المقدمه برای آن است که در عین تعلیل نهایی آیات پیشین و به‌ظهور رساندن اشعارهای قبلی، خود در مقام اخبار از حقیقتی عرشی و گران‌بهاست که چه بسا همین وجه اخیر، سبب به سر زبان افتادن و مشهور شدن آن به‌طور مستقل شده باشد.

۲- اراده الهی در این آیه به دو شکل متجلی شده است:

الف) لفظ «یُرید» در صدر فقره محل بحث (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ) که بر «ارادةالتشریح» ناظر است، متعلق این اراده که در حوزه قانون‌گذاری است، از آن جهت که از



سوی مبدأ فاعلی وضع شده، اراده‌ای تکوینی و از جهت مبدأ قابل (در اینجا همسران پیامبر)، اراده‌ای تشریحی محسوب خواهد شد.

ب) این اراده تشریحی خدای سبحان که چه بسا تخلف‌پذیر بوده و حتی مسبوق به وجود رجس در زمانی است که بعدها به شرف همسری پیامبر نایل آمدند، خود فرع بر اراده دیگری است که تکوینی و تخلف‌ناپذیر بوده که در مقام دفع (و نه رفع) رجس از ساحت اهل‌البیت است.

۳- این اراده تکوینی از مفهوم (در مقابل منطوق) آیه بر حسب اولویت قطعی و مفهوم موافقت قابل برداشت است. توضیح آنکه خداوندی که با وضع قوانین مخصوص همسران پیامبر که از طریق پیوند سببیت به آن حضرت منتسب‌اند، در صدد حفظ حرمت و حیثیت مقام نبوت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، ضرورتاً و با اولویت بیشتر و قطعی‌تر، اراده نموده تا حرمت و آبروی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و کسانی حفظ و حراست شود که با تبعیت از او در بیت نبوت داخل شده‌اند. این اراده بسی شدیدتر و اکیدتر بوده که نهایت اهتمام به اهل‌البیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را می‌رساند (عاملی، ۲۶؛ رضوانی، ۳۷۵).

د) شواهد و قراین

برای حصول اطمینان از درستی این رویکرد، شواهد و قراینی می‌توان آورد تا این دیدگاه تأیید و تقویت شود.

۱- «ال» در «الرجس»، الف و لام جنس و استغراق است که مفید نفی هر گونه رجس و پلیدی خواهد بود (بابایی، پرسمان عصمت، ۴۲)، بنابراین یکی از مصادیق رجس را نیز شامل می‌شود که هتک حرمت و آبروی شخص در اثر بی‌مبالاتی اطرافیان اوست.

۲- همان گونه که مشخص شد، لام در «لیذهب» لام تعلیل است، بنابراین متعلق اراده آن، چیزی است که قبل از اراده (در اینجا اوامر و نواهی مربوط به همسران پیامبر) آمده است. شواهدی از قرآن کریم نظیر آیه ۶ مانده، ۵۵ توبه، ۵ قیامت، ۳۲ توبه و ۸ صف بر این مدعا می‌توان اقامه نمود. برای نمونه، در آیات ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ... يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرٌ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (صف/۸۷)، متعلق اراده، همان کذب و افترا بر دین خدا و رسولان الهی

است تا از این طریق، به هدف و غایت کار خود دست یابند که خاموش ساختن نور الهی است، در حالی که در آیه ﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ...﴾ (توبه/۳۲)، متعلق اراده کافران، همان خاموش ساختن نور الهی است، نه افترا و دروغ که مقدمه آن محسوب می‌شود (رضوانی، ۳۷۵؛ عاملی، ۲۴). نویسنده کتاب *مفردات* نیز به همین معنا تصریح می‌کند:

«تفاوت این دو تعبیر در این دو آیه، بدین صورت است که در تعبیر «یریدون ان یطفئوا»، اطفاء نور الهی مستقیماً اراده شده، اما در تعبیر «یریدون لیطفئوا»، امری اراده شده است که تا با استمداد از آن نور الهی خاموش شود.» (راغب اصفهانی، ۵۲۲)

۳- اگر آیه تطهیر در جایی غیر از جایگاه کنونی آن یا به‌طور صریح در غیر سیاق آیات مربوط به همسران پیامبر قرار می‌گرفت، چه بسا دلالت آن بر فضیلت اصحاب کساء و وضوح بیشتری داشته، احتیاج مبرمی به تبیین رسول خدا ﷺ نداشت، در صورتی که پیامبر بارها و در مواضع مختلف، این آیه را تفسیر عملی می‌نمود تا مبدا ناهلان و ناکبان از صراط مستقیم، این تطهیر ویژه را به نفع خود مصادره کنند. این امر نشان می‌دهد که این آیه در سیاق آیات مربوط به همسران نبی اکرم قرار داشته است. از این رو می‌توان مدعی بود که همه تلاش پیامبر در تبیین مفاد این آیه در بین دیگر آیات ولایت، کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر است. در تأیید این قول، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر رسول خدا ﷺ سکوت می‌کرد و مصادیق اهل‌البیت را تبیین نمی‌فرمود، همانا آل‌فلان و آل‌فلان مدعی این مقام می‌شدند، اما خدای متعال برای تصدیق پیامبر خود، آیه تطهیر را نازل نمود» (کلینی، ۲۸۷/۱).

۴. ارزیابی شمول مصداق «اهل‌البیت» بر دیگر امامان علیهم السلام

در پایان باید به این نکته اشاره داشت که کارکرد این قاعده اصولی در آیه شریفه، منحصر در تحلیل تناسب آیات مذکور نیست، بلکه به کمک قاعده «تعلیق الحکم علی الوصف مشعر بالعلیه»، نوع نگاه ما به تطهیرشدگان بر روی مفهوم وصفی «اهل‌البیت» و نه مصداقی آن متمرکز می‌شود. بر این اساس، راز تطهیر مطهران، در اهلیت داشتن و دخول آنان در بیت نبوت است. بنابراین دیگر امامان



معصوم نیز که تا روز قیامت به‌عنوان خلفای رسول خدا، عهده‌دار تمام شؤون حقوقی آن حضرت (به غیر از رسالت) هستند و از این جهت نیز فرقی بین اولین و آخرین آنان متصور نیست، متصف به این وصف بوده، طبق قاعده، مشمول حکم آیه تطهیر واقع خواهند شد. به عبارت دیگر، در این آیه شریفه، مفهوم «اهل بیت نبوت» در مقابل «اهل بیت سکونت یا قرابت»، مراد جدی الهی بوده است که بر پنج تن آل‌عبا به شکل تنزیل و بر دیگر معصومان از نسل امام حسین علیهم‌السلام با تنقیح مناط و الغای خصوصیت به‌شیوه تأویل، مصداق می‌یابد (اشراقی، ۲۰۳؛ جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ۱۶۲/۵). این دیدگاه توسط مجموعه‌ای از شواهد و قراین روایی نیز تأیید می‌شود.^۲

البته نباید این شمول مصداقی به شکل ناروا توسیع یابد. توضیح بیشتر آنکه تعبیر «منا اهل البیت» که در مورد افراد زیادی همچون سلمان فارسی (کشی، ۱۲/۱؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۱۹/۶)، ابوذر غفاری (طبرسی، ۴۵۹)، زبیر بن عوام (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۳) و به‌طور کلی هر شیعه خالص و محب اهل‌البیت (کلینی، ۳۳۳/۸؛ عیاشی، ۲۳۱/۲) صادر شده، با تعبیر «اهل‌البیت» که مصداق انحصاری چهارده معصوم علیهم‌السلام است، بسیار تفاوت دارد و بنابراین نباید با یکدیگر خلط شود.

نتیجه‌گیری

پس از نقد و بررسی آرای مفسران فریقین در مورد اعتبار یا عدم اعتبار کارکرد سیاق در جهت تبیین موضع قرارگیری آیه ۳۳ سوره احزاب در بین آیات مربوط به همسران پیامبر، نکات زیر به‌دست می‌آید:

۱- به‌نظر می‌رسد مفسران امامیه به دلیل دست نیافتن به رهیافت مناسب، منکر حکم سیاق در این آیات شده‌اند؛ در صورتی که اولاً هیچ دلیل عقلی یا نقلی معتبر مبنی بر جابه‌جایی این آیه از موضع اصلی آن در دست نیست، ثانیاً تا وقتی که بتوان توجیهی منطقی و متناسب با اصالة‌السیاق مطرح نمود، جایی برای طرح مباحثی همچون معترضه بودن و استطرادی بودن این فقره از آیه محل بحث باقی نخواهد ماند.

۲- اساساً محور آیات ۲۸-۳۴ سوره احزاب، شخصیت حقوقی نبی اکرم ﷺ و مقام نبوت اوست که حتی با فرض عدم خطاب مستقیم در آیات مربوط به همسران به شخص نبی، باز هم همسران آن حضرت و اهل بیتش مخاطب واقع شده‌اند، از آن جهت که به بیت نبوت منتسب هستند؛ همان‌گونه که شخص حقیقی حضرت هم از این جهت مخاطب واقع شده است. همچنین بازگشت این وحدت خطاب به اسوه و قدوه و مقتدا بودن بیت نبوت برای سایر مأمومین است.

۳- از کارکردهای مهم قاعده «تعلیق الحکم علی الوصف مشعر بالعلیه» در آیات مربوط به همسران پیامبر این است که با شأنیت یافتن وصف اصولی «یا نساء النبی»، فضای حاکم بر این آیات تبیین شده و هدف از دستورهای مؤکد الهی به این قشر منتسب به شخصیت حقوقی نبی اکرم، روشن و در آیه تطهیر جلوه‌گر خواهد شد.

۴- براساس مفهوم موافقت، تطهیر تکوینی اصحاب کساء در مقام وصایت و زمامداری نبی و تطهیر تشریحی همسران آن حضرت در حوزه منتسبان به آنها قرار خواهد گرفت تا حیثیت و آبروی مقام نبوت و وصایت از این راه لکه‌دار نشود.

۵- به کمک قاعده پیش‌گفته و با شأنیت یافتن تعبیر «اهل‌البیت» به‌عنوان وصف تطهیرشدگان در معنای مراد جدی آن، مشخص خواهد شد که می‌توان حکم آیه تطهیر را به سایر امامان علیهم‌السلام نیز تعمیم بخشید که داخل در بیت ولایت نبی اکرم ﷺ هستند و اصولاً سرّ این تطهیر، در همین است که آنان، اهل بیت حقیقی آن حضرت‌اند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- برای مطالعه بیشتر ر.ک: عاملی، ۴۷-۸۲؛ محمدی، ۳۰۶/۱؛ رامیار، ۲۸۰-۲۹۰ و ۲۹۴-۲۹۵؛ خویی، ۲۶۹-۲۷۱؛ باقلانی، ۹۹؛ جعفریان، ۳۵؛ موسوی، ۲۹؛ حجتی، ۲۲۱؛ میرمحمدی، ۱۰۶-۱۰۵ و ۱۲۸-۱۲۹؛ دروزه، ۹۲-۹۳ و ۲۸۲؛ سیدبن طاووس، ۱۹۲-۱۹۳.
- ۲- برای مطالعه بیشتر ر.ک: صدوق، کمال‌الدین، ۲۷۸/۱؛ همو، علل‌الشراعی، ۲۰۵/۱؛ عروسی حویزی، ۲۷۲/۴؛ جوینی، ۳۱۶/۱؛ ابن‌ابی‌زینب، ۷۲؛ خزاز قمی، ۱۵۵-۱۵۶؛ بحرانی، ۴/۴۴۴.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آلوسی، محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم؛ الغیبه للنعمانی، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم؛ منهاج السنة النبویه، ریاض، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ، بی تا.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۸. ازهری، محمد بن احمد؛ تهذیب اللغة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۹. اسماعیل زاده، ایلقار؛ «تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۸ و ۹، بهار ۱۳۸۳، ۱۱۱-۱۷۸.
۱۰. اشراقی، شهاب‌الدین؛ فاضل لنکرانی، محمد؛ اهل‌البیت یا چهره‌های درخشان در آیه تطهیر، تهران، چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۲ش.
۱۱. انصاری، شیخ مرتضی؛ فرائد الاصول، قم، مجمع فکر الاسلامی، بی تا
۱۲. _____؛ کتاب المکاسب (المحشّی)، قم، مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب، ۱۴۱۰ق.
۱۳. انصاری تبار، مجید؛ شرح جامع نموداری اصول‌الفقّه، اصفهان، مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۹۴ش.
۱۴. بابایی، علی‌اکبر؛ «استقلال نزول آیه تطهیر و تأثیر آن در ظهور و فهم معنایی آیه»، اندیشه نوین دینی، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۱، ۲۴-۴۴.
۱۵. _____؛ پرسمان عصمت: شرحی بر آیه تطهیر، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ش.
۱۶. بابایی، علی‌اکبر؛ عزیزی کیا، غلامعلی، روحانی راد، مجتبی؛ روش‌شناسی تفسیر قرآن، زیر نظر محمود رجبی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ش.
۱۷. باقرزاده، عبدالرحمن؛ «اثبات استقلال آیه تطهیر در قرآن کریم»، الاهیات قرآنی، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ۲۷-۵۶.

۱۸. _____؛ پژوهشی جدید درباره آیه تطهیر، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱ش.
۱۹. باقلانی، ابوبکر؛ نکت الانتصار لنقل القرآن، اسکندریه، منشأة المعارف، بی تا.
۲۰. بحرانی، هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۲۱. بروجردی طباطبایی، حسین؛ نهاية الاصول، قم، نشر تفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۲. جعفریان، رسول؛ القرآن و دعاوی التحریف، بیروت، دارالتقلین، ۱۴۱۵ق.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله؛ ادب فنای مقربان: شرح زیارت جامعه کبیره، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۱ش.
۲۴. _____؛ نزاهت قرآن از تحریف، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۳ش.
۲۵. جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد؛ فرائد السمطین فی فضایل المرتضی و البتول و السبطین و الائمة من ذریتهم علیهم السلام، بیروت، مؤسسه المحمودی، ۱۳۹۸ق.
۲۶. حجتی، محمدباقر؛ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۲۷. حسکانی، عبیدالله؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۲۸. حسینی میلانی، علی؛ نگاهی به آیه تطهیر: پژوهشی در تفسیر و شأن نزول آیه تطهیر، قم، الحقایق، ۱۳۹۰ش.
۲۹. حلی، حسن بن یوسف؛ منهاج الکرامه فی معرفه الامامة، مشهد، مؤسسه عاشورا، ۱۳۷۹ش.
۳۰. خزاز قمی، علی بن محمد؛ کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر، قم، بیدار، ۱۴۰۱ق.
۳۱. خوبی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۹۴ش.
۳۲. دروزه، محمد عزت؛ القرآن المجید، بیروت، المطبعة العصریة، بی تا.
۳۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن، بیروت، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۳۴. رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰ش.
۳۵. ربانی، محمدحسن؛ «نقش سیاق در تفسیر»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۷ و ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، ۳۲۲-۳۴۱.
۳۶. رضایی کرمانی، محمدعلی؛ «جایگاه سیاق در المیزان»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۹ و ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۷۶، ۱۹۴-۲۰۵.
۳۷. رضوانی، علی اصغر؛ امام‌شناسی در قرآن و پاسخ به شبهات، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ش.
۳۸. رهگشای، حلیمه؛ «بررسی تناسب آیه تطهیر در تفاسیر شیعه»، بیانات، شماره ۷۱، پاییز ۱۳۹۰، ۲۷-۳۴.



۳۹. زحیلی، وهبة بن مصطفى؛ التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة و المنهج، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.
۴۰. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۴۱. ستوده‌نیا، محمدرضا؛ آخوند یزدی، سعید؛ سلطانی رنای، سید مهدی؛ «بررسی تطبیقی سیاق از دیدگاه قرآن پژوهان معاصر»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۲، ۶۱-۷۸.
۴۲. سیدین طاووس، علی؛ سعد السعود، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۳ش.
۴۳. سیوطی، عبدالرحمن؛ الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۴. شریف مرتضی، علی بن حسین؛ الشافی فی الامامه، تهران، مؤسسه الصادق علیه السلام، ۱۴۱۰ق.
۴۵. صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
۴۶. صدر، رضا؛ الاجتهاد و التقليد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ق.
۴۷. صدوق، محمدبن علی؛ علل الشرایع، قم، کتابفروشی داورى، ۱۳۸۵ش.
۴۸. _____؛ کمال‌الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، اسلامیة، ۱۳۹۵ق.
۴۹. طباطبایی، سید محمدحسین؛ قرآن در اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۵۰. _____؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۵۱. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۵۳. طبری، محمدبن جریر؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۵۴. طوسی، محمدبن حسن؛ تلخیص الشافی، قم، انتشارات المحبین، ۱۳۸۲ش.
۵۵. _____؛ تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۵۶. طبیب، عبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
۵۷. طبیب‌حسینی، محمود؛ شریفی‌نسب، حامد؛ «بررسی روایات ترتیب چینش آیات در سوره‌های قرآن کریم»، پژوهشنامه ثقلین، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، ۱۹۹-۲۲۸.
۵۸. عاملی، جعفر مرتضی؛ اهل‌بیت علیهم السلام در آیه تطهیر، ترجمه: محمد سپهری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ش.

۵۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۶۰. عیاشی، محمدبن مسعود؛ کتاب التفسیر، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۶۱. فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله؛ کنزالعرفان فی فقه القرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۳ش.
۶۲. فخر رازی، محمدبن عمر؛ مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۶۳. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۶۴. فضل الله، سید محمدحسین؛ تفسیر من وحی القرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۶۵. قاسمی، محمد جمال الدین؛ محاسن التأویل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۶۶. قرطبی، محمدبن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۶۷. قلی زاده، احمد؛ واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه، تهران، بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگ‌ی نور، ۱۳۷۹ش.
۶۸. کشی، محمدبن عمر؛ رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۶۹. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۷۰. کورانی، علی؛ تدوین قرآن، ترجمه: محمود عظیمی، تهران، سروش، ۱۳۷۹ش.
۷۱. متقی هندی، علاءالدین علی؛ کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ق.
۷۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۷۳. محمدی، علی؛ شرح اصول فقه، قم، قدس، ۱۳۷۸ش.
۷۴. محمدی، محمدعلی؛ اعجاز قرآن با گرایش شبهه‌پژوهی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴ش.
۷۵. مرتضوی، محمد؛ آیات ولایت در قرآن، قم، آشیانه مهر، ۱۳۹۰ش.
۷۶. مظفر، محمدرضا؛ اصول الفقه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۷۷. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن، قم، انتشارات مهر، ۱۳۹۰ق.
۷۸. میر محمدی، ابوالفضل؛ بحوث فی تاریخ القرآن و علومه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۰ق.
۷۹. نجارزادگان، فتح الله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ آموزه‌هایی از فضایل و حقوق اهل بیت علیهم السلام در قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ش.
۸۰. وحید بهبهانی، محمدباقر؛ الفوائد الحائریة، قم، مجمع فکر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.